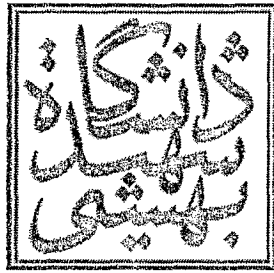


۱۳۱۷۹۹



اقتصاد سیاسی دیپلماسی انرژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین الملل

۱۳۸۸/۱۲/۲

مهدی ذوالفقاری

استاد اهدایات مدرک علمی بزرگ
تمت بزرگ

شهریور ۱۳۸۸

۱۳۱۷۹۹

اقتصاد سیاسی دیپلماسی انرژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته روابط بین الملل

توسط:

مهدی ذوالفقاری

استاد راهنما:

دکتر حسین پوراحمدی

شهریور ماه ۱۳۸۸

تقدیم به پدر و مادرم

برگه تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: اقتصاد سیاسی دیپلماسی انرژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نام دانشجو: مهدی ذوالفقاری


دوره: کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

این پایان نامه در جلسه ۱۳۸۸/۰۶/۲۳ با نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی مورد تأیید اعضای کمیته

پایان نامه متشکل از استادان ذیل قرار گرفت:

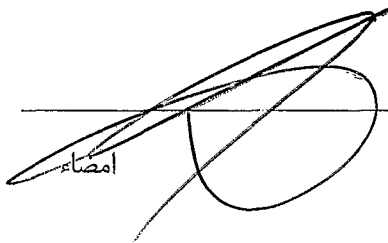
استاد راهنما

دکتر حسین پوراحمدی


امضاء

استاد مشاور

دکتر سید عبدالعلی قوام


امضاء

استاد داور

دکتر محمد باقر حشمت زاده


امضاء



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی فروردین ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ به انجام رسیده است. به استثنای کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب تنظیم شده است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

مهدی ذوالفقاری

شهریور ۱۳۸۸



سپاسگذاری

سپاس بیکران خداوند خرد و حمد و ثنای آستان قدسی او را سزاست که از نعمت دانش سیاسی در قبض وجودیم برخوردار گرداند. با توکل به او این راه پیموده شد، و از همو ثبات قدم و توفیق در راهی که رضای او بر آن است، و قدرشناسی از فرصتهایی که در اختیارم قرار داد خواهانم.

در نگارش و تدوین متن پیش روی بعلاوه از مساعدت‌ها و یاری افراد متعدد بهره‌مند بودم؛ که بی‌شک این مهم بدون آن راهنمایی‌ها و روشنگری‌ها ممکن نمی‌گشت. این میان جناب آقای دکتر حسین پوراحمدی به عنوان استاد راهنما از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، که در تمامی مراحل نگارش پایان‌نامه یاری‌گر بوده است.

همچنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر سید عبدالعلی قوام در جایگاه استاد مشاور و از جناب آقای دکتر محمد باقر حشمت‌زاده که داور پی‌ان‌نامه را بر عهده داشتند؛ به واسطه زحماتی که متقبل شدند سپاسگذارم. گذشته از این شایسته است از آقایان علیرضا اسماعیل‌زاده، علی بی‌نیاز، محمد علی خطیبی، سهراب شهابی، حجت‌الله غنیمی‌فرد، ناصر مواهبی، و هادی نژادحسینیان در انتقال تجربیات و ارائه نظرات ارزشمند آنها کمال‌تشکر را داشته باشم.

عنوان: اقتصاد سیاسی دیپلماسی انرژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دانشجو: مهدی ذوالفقاری

استاد راهنما: دکتر حسین پوراحمدی

دوره: کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل

تاریخ ارائه: شهریور ماه ۱۳۸۸

چکیده:

کشورها در سیاست خارجی خود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و انرژی ملی و در چارچوب دیپلماسی انرژی راهبرد نوین رشد و توسعه اقتصادی و تامین منافع و امنیت ملی را در پیش گرفته‌اند. اما، نارسایی و عدم کفایت در جهت‌گیری‌های اقتصادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سبب شده است تا در ادبیات علمی و دانشگاهی کشور با وجود آثاری در حوزه اقتصاد سیاسی انرژی، به وجوه ارتباط بخش انرژی و سیاست خارجی توجه چندانی صورت نگیرد. با این وصف، مقاله حاضر درصدد است تا در آسیب شناسی رابطه دو حوزه تصریح شده سیاست خارجی و انرژی، از منظری دیگر به بازنمایی اهمیت آنها و اهمیت توأمان ساختن کارکردهایی که تاکنون بصورت منفرد مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند، بپردازد. پیرو چنین ملاحظاتی، برای ایران به عنوان کشوری که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز در درون مرزهای ملی و پیرامون آن می‌باشد، دیپلماسی انرژی ابزاری برای پیشینه ساختن دستاوردها از نظام اقتصاد سیاسی جهانی محسوب می‌شود. این در حالی است که غالباً در خط‌مشی خارجی ایران، نگاه اقتصادی از موضوعیت کمتری نسبت به ملاحظات سیاسی برخوردار بوده است. در نتیجه غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی که از عدم لحاظ شدن نگاه بلندمدت و راهبردی به مسائل بخش انرژی در رویکرد خارجی - دیپلماسی انرژی - حکایت می‌کند، بیانگر این است که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه ای و بین‌المللی کشور نیازمند مدنظر داشتن استراتژی‌های بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست خارجی است. در این مقاله ضمن ارائه تعریفی از دیپلماسی انرژی و تبیین عرصه آن، به آسیب‌شناسی جایگاه دیپلماسی انرژی در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی و مطابق آسیب‌شناسی موضوع، به رابطه دیپلماسی انرژی با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دیپلماسی انرژی، وابستگی متقابل پیچیده و چند جانبه، منافع ملی، امنیت ملی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- طرح مسئله ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق ۷
- ۳-۱- اهمیت تحقیق ۷
- ۴-۱- سوال اصلی ۸
- ۵-۱- فرضیه ۸
- ۶-۱- تعریف متغیرها و مفاهیم ۸
- ۷-۱- موانع و مشکلات تحقیق ۹
- ۸-۱- سازماندهی تحقیق ۱۰

فصل دوم: ضرورت دیپلماسی انرژی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی

- مقدمه ۱۲
- ۱-۲- دیپلماسی؛ ابزارها و ارکان آن ۱۲
- ۲-۲- دیپلماسی انرژی؛ تعاریف، عرصه‌ها، ابزارها، اهداف و تاریخچه ۱۶
- ۱-۲-۲- تعریف دیپلماسی انرژی ۱۶
- ۲-۲-۲- عرصه‌های دیپلماسی انرژی ۱۸
- ۳-۲-۲- ابزارهای دیپلماسی انرژی ۲۳
- ۴-۲-۲- اهداف دیپلماسی انرژی ۲۵

۲۷	۲-۲-۵- تاریخچه دیپلماسی انرژی
۲۷	۲-۳- ضرورت دیپلماسی انرژی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی
۴۹	۲-۴- رابطه دیپلماسی انرژی با منافع ملی، امنیت ملی، و اقتصاد ملی
۴۹	۲-۴-۱- رابطه دیپلماسی انرژی با منافع ملی
۵۵	۱-۴-۲- رابطه دیپلماسی انرژی با امنیت ملی
۶۲	۱-۴-۳- رابطه دیپلماسی انرژی با اقتصاد ملی
۶۵	نتیجه‌گیری
	فصل سوم: رابطه دیپلماسی انرژی و امنیت ملی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی
۶۷	مقدمه
۶۷	۳-۱- امنیت ملی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی
۷۵	۳-۱-۱- مفهوم‌سازی امنیت ملی در نظریه‌های روابط بین‌الملل
۷۵	۳-۱-۲- جریان اصلی نظری نظریه روابط بین‌الملل در مطالعات امنیتی
۸۱	۳-۱-۳- رویکردهای غیرمتعارف در مطالعات امنیتی
۸۵	۳-۱-۴- مؤلفه‌های اقتصادی و امنیت ملی
۸۶	۳-۱-۵- اقتصاد سیاسی قدرت اقتصادی
۹۲	۳-۱-۶- انگیزه اقتصادی جنگ
۹۴	۳-۱-۷- نقش محدودیت بودجه ملی در ترکیب و اجرای استراتژی کلان
۹۷	۳-۲- امنیت انرژی

۹۹	۱-۲-۳- امنیت انرژی در نگرش ملی (طرفین عرضه و تقاضا)
۱۰۵	۲-۲-۳- امنیت انرژی مبتنی بر وابستگی متقابل
۱۱۱	۳-۳- رابطه دیپلماسی انرژی و امنیت ملی
۱۱۸	۱-۳-۳- دیپلماسی انرژی و ارتقاء امنیت ملی
۱۲۸	نتیجه‌گیری
فصل چهارم: تاریخ دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی ایران	
۱۳۱	مقدمه
۱۳۱	۱-۴- دیپلماسی نفتی و روابط خارجی ایران (پیش از انقلاب اسلامی)
۱۴۴	۲-۴- سیاست نفتی در روابط خارجی ایران در دوره پس از انقلاب اسلامی
۱۵۶	۳-۴- ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی در ایران
۱۶۹	نتیجه‌گیری
فصل پنجم: دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران	
۱۷۳	مقدمه
۱۷۴	۱-۵- دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران
۱۸۶	۲-۵- دیپلماسی انرژی و اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران
۱۹۶	۳-۵- دیپلماسی انرژی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۰۹	نتیجه‌گیری

فصل ششم: دیپلماسی انرژی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۲۱۲	مقدمه
۲۱۲	۱-۶- دیپلماسی انرژی و ارتقاء حفظ تمامیت ارضی و حفظ نظام سیاسی
۲۳۰	۲-۶- دیپلماسی انرژی و ارتقاء رشد و توسعه اقتصادی
۲۳۶	۳-۶- دیپلماسی انرژی و ارتقاء جایگاه جهانی ایران
۲۴۰	نتیجه گیری
۲۴۳	فصل هفتم: نتیجه گیری
۲۵۶	۱-۷- پیشنهادات
۲۶۰	کتابنامه

کلیات

طرح مسئله (تعریف موضوع)

عوامل انرژی در تاریخ یکصد ساله اخیر که در رابطه با ایران موضوعیت یافت، دارای پیوندی ناگسستنی با سیاست خارجی کشور و نقشی برجسته در آن بوده است؛ به گونه‌ای که مطالعه ادبیات انرژی و سیاست خارجی مستلزم بررسی توأمان این دو شناخته می‌شود. بخصوص تعامل دو متغیر انرژی و سیاست خارجی زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که موقعیت، جایگاه، و سیاست خارجی - ایران در برخورد با جهان صنعتی مورد ملاحظه قرار گیرد.

در شرایط کنونی، تحولاتی حاصل شده است که فضایی متفاوت از دوره جنگ سرد را رقم زده است. بنابراین در الگوهای جدید، بطور آشکار شاهد تحول در دیپلماسی کشورها همراه با طرح دیپلماسی‌های موضوعی و تخصصی و به ویژه رونق فزاینده دیپلماسی اقتصادی می‌باشیم. به عبارتی مطرح شدن دیپلماسی‌های موضوعی و تخصصی جلوه‌ای روبنایی از تحولات حادث شده و از ویژگی‌های عصر اطلاعات و جهانی شدن است؛ که در نتیجه آن دیپلماسی به عرصه رقابت دیپلمات‌های متخصص تبدیل شده است، که علاوه بر آشنایی با فنون دیپلماتیک، به موضوعات پیچیده جهانی شدن نیز اشراف دارند.

در همین رابطه، امکان‌سنجی پیوند انرژی و سیاست خارجی و نمود مفهومی دیپلماسی انرژی تلاشی برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های بخش انرژی بر اساس اولویت‌های ملی برای رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود. در جمع‌بندی اولیه پرداختن به این موضوع از چند جنبه اساسی

تلقى می‌شود:

نخست اینکه ایران با دارا بودن ۱۳۸/۴ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام در رتبه دوم با ۱۱/۲٪ ذخایر نفت خام قرار دارد که با روند کنونی استخراج، امکان بهره‌گیری از آن تا ۹۳ سال دیگر وجود دارد. همچنین در مقام مقایسه و در چشم‌انداز منطقه‌ای، از ذخایر عمده نفت جهان ۶۱/۹٪ آن در خاورمیانه (غالباً منطقه خلیج فارس)، ۱۱/۷٪ در اوراسیا، ۹/۶٪ در آفریقا، ۸/۶٪ در آمریکای لاتین و مرکزی، ۵٪ در آمریکای شمالی، ۳/۴٪ در آسیا و اقیانوسیه قرار دارد (the BP Statistical Review of World Energy, June 2008). در نتیجه مطالعه اخیر از حیث اینکه نشان دهنده حجم ذخایر ایران و موقعیت ژئوپلیتیک آن است، حایز اهمیت تلقی می‌شود.

در وجه دیگر، چشم‌انداز آینده نشانگر افزایش قابل توجه تقاضای انرژی و نقش مسلط نفت و گاز در مجموعه آن است. بنابراین پیش‌بینی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که تقاضای نفت طی ۲۰ سال آینده بیش از دو برابر ۲۰ سال گذشته افزایش پیدا خواهد کرد و گاز طبیعی به عنوان سوخت منتخب قرن حاضر از بیشترین رشد در مجموعه اقلام سبد انرژی برخوردار خواهد بود (نفت و توسعه؛ مروری بر اهم فعالیت‌های وزارت نفت (76-79)).

اما مهمترین جنبه موضوع، بررسی روند برداشت از منابع هیدروکربن جهان و توزیع جغرافیایی آن محسوب می‌شود؛ که نشان‌دهنده این است که تا افق ۲۰۲۵ میلادی تنها پنج کشور در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان سعودی، کویت، عراق و امارات متحده عربی) با دارا بودن ۶۱/۵ درصد از ذخایر نفت خام اثبات شده جهان به عنوان عمده‌ترین تولیدکنندگان نفت وجود خواهند داشت (Ibid) و امکان صدور نفت، تقریباً به انحصار این پنج کشور در خواهد آمد (آسایش‌زارچی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰).

مطابق گزارش نشریه آماری بی.پی (BP) در حالیکه ذخایر اثبات شده نفتی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از ۱۱۳/۷ میلیارد بشکه در ۱۹۸۰، به ۸۰/۶ میلیارد بشکه در ۲۰۰۵ کاهش یافته است؛ به ذخایر کشورهای عضو اوپک از ۴۳۲/۸ میلیارد بشکه به ۹۰۲ میلیارد بشکه و ذخایر خلیج فارس از ۳۶۲ میلیارد بشکه به ۷۴۱ میلیارد بشکه در دوره مشابه افزایش پیدا کرده است. به این ترتیب، « منطقه خلیج فارس بنابر تنها منطقه بالقوه موجود بودن در جهان که می‌تواند ظرفیت تولید نفت را بطور قابل توجهی بالاتر از تولید حقیقی حفظ کند، برجستگی یافته است»؛ که این موضوع، توسعه ظرفیت‌ها در خارج از منطقه خلیج فارس را فاقد اهمیت ساخته است (Cordesman, 2001, P. 118). بنابراین برای پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده نفتی پیش‌بینی می‌شود که طی ۲۰ سال آینده، حدود ۵۸٪ از افزایش تقاضای جهانی نفت را کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین کنند. این در حالی است که طی ۲۰ سال گذشته، این کشورها تنها پاسخگوی کمتر از ۱۷ درصد از افزایش تقاضا بوده‌اند (نفت و توسعه؛ مروری بر اهم فعالیت‌های وزارت نفت ۸۲-۷۶، ص ۶).

در ارتباط با بازار منطقه‌ای حامل‌های انرژی به تصریح کمیسیون انرژی اتحادیه اروپایی، کشورهای عضو این اتحادیه حداقل در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده قادر به کاهش وابستگی خود به نفت و گاز نخواهند بود؛ همچنان که راسل^۱ به این موضوع اشاره می‌کند؛ بهبود بلندمدت اقتصاد جهانی به توانایی خلیج فارس به تداوم دادن به تحویل قابل پیش‌بینی و مطمئن؛ در کنار عرضه پیوسته فزاینده نفت به اجتماع بین‌المللی برحسب قیمت‌های منطقی وابسته خواهد بود (Russell, 2005, p. 290).

1 - Russell

گاز طبیعی که پس از نفت بزرگترین بازار انرژی جهان محسوب می‌شود و حجم آن در سال ۲۰۰۶، ۷۴۸ میلیارد مترمکعب برآورد شده است، در روندهای جاری در حال برخورداری از اهمیت روزافزونی است. این میان ایران با داشتن دومین ذخیره بزرگ گاز جهان که نرخ ذخیره به تولید آن ۲۴۵ سال پیش‌بینی می‌شود، قادر است جایگاه مناسبی از لحاظ تعاملاتی در بازار و مناسبات بین-المللی به دست آورد.

در افق ۲۰ ساله برنامه جامع تولید و مصرف نفت و گاز طبیعی در ایران، پیش‌بینی شده است که ذخایر اثبات شده در سال ۱۴۰۳، ۱۹ تریلیون و ۴۴۰ میلیارد مترمکعب باشد. به این ترتیب با محاسباتی که صورت گرفته است میزان مصرف داخلی گاز در سال ۱۴۰۳ برابر ۱۱۳۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد بود. اگر تزریق گاز به چاه‌ها مطابق برنامه پیش‌بینی شده انجام شود، کل مصرف داخلی گاز از ۱۱۳۴ میلیون مترمکعب در روز در سال ۱۳۹۳ و ۱۴۰۴ میلیون مترمکعب در سال ۱۴۰۳ تجاوز نخواهد کرد. در صورتی که برنامه‌های تولید گاز از میدان‌های گازی کشور مطابق زمانبندی پیش‌بینی شده انجام شوند، در سال ۱۳۹۳ میزان تولید برابر ۱۴۷۱ میلیون مترمکعب در روز و در سال ۱۴۰۳ برابر ۱۷۵۷ میلیون مترمکعب در روز خواهد بود (نعمت زاده، برخورد سیاسی با مقوله انرژی ایران بر خلاف امنیت انرژی جهانی است).

طبق ترتیبات برشمرده شده، میزان گاز مازاد بر مصرف داخلی جهت صادرات در سال ۱۳۹۳ بیش از ۳۳۰ و در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۳۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید که معادل ۱۲۰ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۳ و ۱۴۰۶ میلیارد مترمکعب در سال ۱۴۰۳ خواهد بود. لذا در زمانی نه چندان دور، حدود ۲۰٪ گاز تولیدی کشور قابلیت صدور به خارج می‌یابد. بر این اساس ایران ضمن برنامه‌ریزی برای صادرات ۲۰ درصد از مجموع گاز تولیدی خود باید به دنبال بازارهای هدف مناسبی بگردد که امنیت تقاضا را برای طولانی‌مدت تأمین کند؛ علاوه بر این، متضمن جلب

سرمایه، تکنولوژی و همکاری شرکت‌های بین‌المللی باشد که بی‌شک مشوق وزارت خارجه برای سیاستگذاری و اجرای دیپلماسی انرژی است.

گذشته از این، در انگیزه‌های اصلی غالب کشورها در تعامل با کشور ایران قبل از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نفت به عنوان محور اصلی محسوب شده است. بنابراین وجود ذخایر عظیم انرژی در کشور بطور مستمر توانسته است خود را در عالی‌ترین سطوح بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم تحمیل کند. در مقابل، نقش بخش انرژی در تصمیمات سیاسی و روابط بین‌المللی، بی‌شک مهمترین عامل در روابط خارجی ایران بوده است.

پس از فروپاشی شوروی از بعدی دیگر بر اهمیت موقعیت استراتژیک ایران افزوده شد. به این ترتیب درحالیکه در دوره شوروی امکان فعالیت‌های گسترده‌ای در کشورهای حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی فراهم نبود، پس از فروپاشی شوروی، شاهد کشورهای کوچکی هستیم که پس از سپری کردن دوره‌ای از بی‌ثباتی، برای بازیابی قدرت خود به توسعه منابع، بخصوص نفت و گاز روی آورده اند. در همین رابطه، دسترسی نداشتن جمهوری‌های آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر به آب‌های آزاد سبب شده است تا گونه‌ای وابستگی به کشورهای مسیر انتقال یا ترانزیت پدید آید که بر ژئوپلیتیک منطقه اثرگذار بوده است؛ یعنی چگونگی انتقال انرژی از یک موضوع بازرگانی و اقتصادی به موضوعی سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل می‌شود.

موضع مشابه، با آبراه هرمز پیوند دارد؛ که تقریباً ۱۵/۵-۱۵ میلیون شبکه از نفت در روز از خلیج فارس بواسطه این تنگه ۳۴ مایلی به خارج عبور داده می‌شود؛ آبراهی که این امر آنرا نقطه فشار مهمی در اقتصاد جهانی ساخته است. بعلاوه این منطقه دربرگیرنده تقریباً ۷۱۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت و بیشترین ظرفیت تولید اضافی جهان است. با توجه به این مؤلفه‌ها است که پیش‌بینی‌ها از وابستگی بیشتر به تولیدکنندگان نفتی و گازی منطقه خلیج فارس در مدت ۲۵ سال

آینده خبر می‌دهد.

اداره کل اطلاعات انرژی تخمین می‌زند که تا ۲۰۲۵ تولیدکنندگان خلیج فارس ۳۶/۴ میلیون بشکه در روز صادر خواهند کرد که بیش از دو برابر صادرات تقریباً ۱۷ میلیون بشکه در روز جاری آنهاست (Russell, P.290). با توجه به این موضوع، منطقه از اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار است، چنانکه به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران؛ هر کسی خاورمیانه را کنترل کند، شیر نفت جهانی را کنترل می‌کند؛ و هر کس نیز نفت جهانی را کنترل کند، می‌تواند اقتصاد جهانی را - دست کم برای آینده نزدیک- در کنترل خود داشته است (Harvey, 2003, p.19).

لذا ایران به مثابه کشوری غنی در حوزه انرژی، که طبق برآوردها دارای ۱۱/۲ درصد منابع نفت و ۱۵/۷ درصد گاز جهان می‌باشد، و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در میان دو حوزه مهم انرژی پرداختن به دیپلماسی انرژی را به عنوان یکی از وجوه دیپلماسی کارآمد برای جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند. راجع به تأثیرگذاری این شیوه نیز با توجه به همکاری‌ها و پیوستگی‌هایی که در حوزه انرژی با دیگر کشورها فراهم می‌سازد، و با توجه به پیوندهای باثبات دوجانبه و چندجانبه بیانگر این است که در مقوله منافع ملی و امنیت ملی از وجوه غیرقابل چشم‌پوشی برخوردار است. این در حالی است که برای دوره‌ای طولانی، حضور و نقش‌آفرینی بخش انرژی در سیاست خارجی، با نگاه «فروش» همپیوند بوده است؛ و از این جهت مهم تلقی می‌شد که عمده درآمدهای کشور از طریق به فروش رساندن منابع انرژی تأمین شده است. به این ترتیب، اهمیت این منابع، در بعد اقتصادی موجب توقف در همین جایگاه شده، و عملاً بهره‌گیری از ظرفیت‌های راهبردی این منابع را خارج از دستور کار قرار داده بود.

آنچه در این مجال نیازمند بازنمایی است، جلوه‌های راهبردی مرتبط با حوزه انرژی است؛ که عموماً چنین مسائلی را تحت عنوان استفاده سیاسی از ابزارهای اقتصادی مطرح می‌کنند. البته

متغیر انرژی همواره در ملاحظات سیاسی کشور همواره حضوری پررنگ و برجسته داشت. از اینرو که درآمدهای حاصل از این عوامل به عنوان محرک اقتصاد ملی، ایجاد اشتغال و رفاه و به عنوان گرداننده چرخ تولید، توسعه و پیشرفت در حوزه ملی مورد توجه قرار می‌گرفت.

در نهایت، مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه انرژی که منابع طبیعی را در حکم الگوی رویکرد توسعه‌محور در سیاست خارجی معرفی می‌کند، را نیازمند کنش‌های سنجیده در عرصه بین‌المللی تحت هدایت‌های متمرکز می‌سازد. بدین ترتیب شناسایی ضرورت‌ها و ظرفیت‌های دیپلماسی انرژی برای تأمین منافع ملی و ارتقاء امنیت ملی موضوعی محوری در این پژوهش لحاظ شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱- اهداف تحقیق:

پژوهش حاضر تلاش دارد تا ضرورت دیپلماسی انرژی را در نظام اقتصاد سیاسی جهانی تبیین کند؛ و رابطه مفهومی دیپلماسی انرژی با منافع و امنیت ملی را مشخص سازد. یکی دیگر از اهدافی که در این پژوهش دنبال شده است، تشریح ضرورت‌های دیپلماسی انرژی با توجه به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، بعلاوه ارائه راهکارهای ارتقاء امنیت ملی و بهبود جایگاه کشور در نظام اقتصاد سیاسی جهانی با استفاده از ابزار انرژی است.

۳-۱- اهمیت تحقیق:

پرداختن به این موضوع از چند جهت حایز اهمیت است؛ ابتدا بواسطه اینکه ضرورت دیپلماسی انرژی بیانگر وجود ذخایر عظیم انرژی در کشور و الزام برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌ها در فزاینده ساختن دستاوردها است. از سویی دیگر، دربرگیرنده راهکارهایی برای ارتقاء امنیت ملی - کشور؛ بعلاوه امکان‌سنجی موضوع در رابطه با جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین با تشریح جایگاه ایران در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، زمینه‌ساز تدوین برنامه‌ها و استراتژی‌های ملی در